

## با هیچ جناح و دسته ای از جلادان خلق، سازش نمی کنیم!

چهارده سال از کشتار زندانیان سیاسی بدست جلادان جمهوری اسلامی در سال ۶۷ می گذرد. چهاردهمین سالگرد در حالی فرا می رسد که روحیه مبارزه جویی و نفرت از مرتجعین اسلامی سراسر جامعه را فراگرفته و خشمی بنیان کن موجودیت نظام را تهدید می کند. نفسهای حکومت ترور و سرکوب به شماره افتاده و سران رژیم بیهوده در این گرداب تقلا می کنند! در این میان هرکس تلاش می کند دستانش را از خون بشوید و خود را از مخمصه نجات دهد. بازجویان و شکنجه گران سابق، روزنامه نگار و "اصلاح طلب" شده اند! سران رژیم و آمرین کشتار و سرکوب انقلابیون و مبارزین، خود را "بی گناه" می نامند و مذبوحانه می کوشند با رنگ عوض کردن، حساب خود را از سایر جنایتکاران جدا کنند! اما هیچ یک از آمرین و عاملین سرکوب و کشتار فرزندان خلق، بخشیده نخواهند شد حتی اگر ماسکهای عوامفربانه زیبایی به چهره زنند!

گرچه سال ۶۷ نه آغازی بود و نه پایانی بر جنایات ۲۳ ساله جمهوری اسلامی، اما نقطه عطفی بود در تاریخ ننگین نظامی که پایه های حکومتش بر جوی خون بنا شد. سال کشتار، سال سرکوب و ترور و خفقان، سالی که نظام اسلامی، یک نسل از بهترین فرزندان خلق را به گورستانهای بی نام و نشان سپرد تا نشانی از انقلاب و انقلابی گری برجا نماند! اما امروز به میدان آمدن نسلی جوان و پرشور، شکست جمهوری اسلامی را در خاموش کردن شعله مبارزه نوید می دهد. این نسل هرچند که از تجارب نسل پیشین محروم است، اما می داند که مبارزه، شرط اول آزادی است! آتشی از زیر خاکستر سر برآورده و هر روز بیش از پیش زیانه می کشد تا کلیت حکومت اسلامی را در خود بسوزاند.

بسیاری از جانباختگان جنایات رژیم، زنان مبارزی بودند که جمهوری اسلامی را در عرصه های گوناگون و در عالیترین سطح به مصاف طلبیده اند. زنانی که حضورشان در صحنه نبرد، "نه" قاطعی به موجودیت نظام اسلامی بود و حتی ذره ای با جمهوری اسلامی سر سازش نداشتند.

امروز که اقشار گوناگون جامعه در حال نبردی قطعی با جمهوری اسلامی هستند، بیش از هر زمان یاد و خاطره جانباختگان سال ۶۷ و کلیه مبارزین راه آزادی، الهام بخش مبارزات ماست. امروز زنان مبارز ما به زنانی که قوانین و ایدئولوژی ارتجاعی اسلامی را به هیچ شمردند و با کلیت نظام زن ستیز اسلامی به مبارزه برخاستند و در راه آرمانهای انسانی شان، با قلبی آکنده از عشق به توده ها جان باختند، افتخار می کنند و از جسارت و قاطعیتشان الهام می گیرند. با اوج گیری مبارزات زنان، رژیم کوشید فمنیستهای اسلامی و فرمیستهای حکومتی را که دامنه مبارزاتشان از حنجره پاره کردن برای تغییراتی سطحی و جزئی در زمینه زنان فراتر نمی رود، بعنوان الگوی زن مبارز به زنان تحمیل کند. مرتجعینی که با قرار گرفتن در ساختار حکومت، اینبار در لباس زن به قوانین زن ستیز اسلامی مشروعیت می بخشند و خود بخشی از نظام مردسالار اسلامی هستند! جمهوری اسلامی تلاش کرد پدیده زندانی سیاسی را تغییر شکل دهد و زندانی سیاسی را به تنی چند از مرتجعین حکومتی که تازه برخی شان از عاملین کشتار و سرکوب بوده اند، تقلیل دهد تا یاد و خاطره زندانیان سیاسی ای که با کلیت جمهوری اسلامی به مبارزه برخاستند و قهرمانانه جان دادند و یا مبارزینی که در سیاهچال های رژیم تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند، از خاطر مردم محو شود و امثال گنجی قهرمان توده ها و الگوی زندانی سیاسی مبارز شوند!!

در چهاردهمین سالگرد جانباختگان سال ۶۷، با خون یارانمان پیمان می بندیم که راهشان ادامه دارد و هرگز با دشمنان خلق سازش نمی کنیم. با خون یارانمان پیمان می بندیم که جلادان فرزندان خلق را هرگز نخواهیم بخشید و تنها پاسخمان به این رژیم جنایتکار، سرنگونی آن در کلیتش و با همه جناح ها و دسته هایش است.

**سازمان زنان هشت مارس (ایرانی - افغانستانی)**

**آگوست ۲۰۰۲**